



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسجد الاقصى و طرح يهودسازی قدس؛ مسئولیت مسلمانان چیست!؟

(بخش سوم)

(ترجمه)

پس از آنکه مسلمانان سرزمین رومیان را از سرزمین شام و اولین مرکز کلیسای شرقی را در شهر قدس در زمان عمر فاروق رضی الله عنه فتح کردند، کینه‌توزی و نفرت در قلوب شان پدیدار گشت، هم‌چنان باقی ماند و هر لحظه منتظر فرصت بودند تا به سرزمین‌های مسلمانان علی‌الخصوص به شام و قدس حمله کنند. مسیحیان از جو حاکم و نیز از برخی شرایط حاکم بر قرون وسطی در اروپا و سرزمین‌های مسلمانان استفاده‌جویی نمودند تا از آن‌ها به عنوان محرک و دافع در جنگ‌های خود استفاده کنند.

در حقیقت عوامل و اسبابی که سبب وجود تعدد و فزونی عواملی که صلیبیان را وادار به این جنگ‌ها در سرزمین‌های اسلامی نموده، باید گفت که عامل اصلی و اساسی این جنگ‌ها؛ همان چیزی‌ست که پروردگار صاحب عزت فرموده است:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَ

اصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۰۹)

ترجمه: بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند، اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با این که حقانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده اید، از روی خود کتاب‌های آسمانی‌شان) برای‌شان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا الله (سبحانه و تعالی) فرمان دهد (که در برابر‌شان چه کار کنید). بی‌گمان الله (سبحانه و تعالی) بر هر چیز تواناست.

و نیز فرموده است:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُم عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا﴾ (بقره: ۲۱۷)

ترجمه: پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئین‌تان برگردانند.

و نیز فرموده است:

﴿إِن يَتَفَوَّكُم يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾ (ممتحنه: ۲)

ترجمه: اگر بر شما دست یابند، دشمن شما می‌گردند و دست تعدی بسوی‌تان دراز می‌کنند و زبان را در حق شما به بدی

می‌گشایند و آرزو می‌کنند که کاش می‌شد کافر شوید!

بنابر این، کینه و عداوت علیه اسلام و مسلمانان اولین عامل و محرک حقیقی این جنگ‌های شیطانی‌ست و این به وضوح در سخنرانی پاپ اوربان دوم، معروف‌ترین کسی که اولین جنگی صلیبی را راه‌اندازی نمود، قابل مشاهده است، آنجا که در یکی از سخنانش مسیحیان را مورد خطاب قرار داده و گفت: «قلوب‌تان را از پلیدی کینه‌توزی پاک سازید و به درگیری‌های بین‌تان پایان دهید و راه حرم مطهر را به پیش گیرید و این سرزمین را از این جنس پلید بگیرید و شما مالک آن هستید...» علاوه بر این اسباب و عوامل، اسباب و انگیزه‌های زیاد دیگری هم است که مؤرخان آن را بیان داشته‌اند که در کل می‌توان به دو نوع؛ اسباب (داخلی و خارجی) خلاصه نمود که هر یک فروع خود را داراست. اسباب و عوامل داخلی به شکل بسیار مختصر قرار ذیل است:

۱- درگیری‌هایی حاکم در اروپا که قبل از جنگ‌های صلیبی اول در سرزمین شام (۱۰۹۵-۱۲۰۲) رخ داد. این درگیری‌ها تحت عنوان درگیری‌های مذهبی بین فرقه‌های مسیحی و فرقه‌های سیاسی ظهور نمود. درگیری‌های مذهبی در بین فرقه‌های مسیحی رخ داد که منجر به هزاران قربانی شد و اما درگیری‌های سیاسی در بین ملوک و پادشاهان اروپا و هم‌چنین در بین سربازان جنگجو و رقیب بر سر تقسیم سرزمین‌ها از یک جهت و بین آن‌ها و پادشاهان از جهت دیگر اتفاق افتاد و مردم اروپا به سمت نظامی روی آوردند تا سرانجام تصویر شخصیت بزرگوار به یک تصویر شوالیه جنگجوی مبدل شد. اروپا بر اساس این درگیری‌های سیاسی و فرقه‌ای شکل گرفت و به بخش‌های متنازع داخلی تقسیم شد و در بخش‌های غیر داخلی نیز درگیری‌های میان آمد. و هرج و مرج کلی در این سرزمین‌ها متنازع و ستیزه جو حاکم شد. در بعضی از سرزمین‌ها پادشاهان و سلاطین سیطره کلی خود را از دست دادند، مثل فرانسه؛ به گونه‌ای که پادشاه آن در

زمان سلطنت سلسله کارونگین در سال ۹۸۷ م. به طور کامل کنترل کشور را از دست داد و قدرت به دست امیران طوایفی افتاد و پادشاه فقط به یک تصویر بدون هیچ گونه نفوذ سیاسی مبدل گشت و دولت پارچه پارچه و به چند امیرنشین تقسیم شد که هر یک لشکر خاصی داشت؛ لذا تفکیر و اندیشه روی این مسئله بود که توجه جنگجویان و دشمنان به مکان دیگری سوق داده شود تا که از این درگیری‌ها رهایی یابند و راه آن اینست که باید این سربازان و جنگجویان مصروف جنگ در خارج از کشور باشند.

۲- تمایل برخی از پاپ‌ها و پادشاهان اروپا برای اتحاد کلیساهای شرقی و غربی و پایان دان به وضعیت درگیری موجود در بین شان؛ به گونه که اروپا سال‌ها شاهد جنگ و تفرقه بود، همان جنگ‌های که در سال ۱۰۵۴ م بین شرق یونان و غرب لاتین شروع شد، یا هم آنچه که به انشعاب کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتدوکس شرقی معروف است. روم از طریق جنگ علیه سرزمین‌های اسلامی آرزوی اتحاد دو کلیسا را در سر می‌پروراند، همانگونه که قبلاً آرزوی اتحاد سرزمین‌های اروپایی را در سر می‌پروراند.

۳- اسباب دینی صلیبی: اسباب دینی که مربوط به جنگ‌های صلیبی بود، برخی از آن‌ها متعلق به داخل اروپا بود که محتوای آن را مسئله کفاره گناهان و اعمال ناشایست تشکیل می‌داد، مخصوصاً برخی از کشیشان و راهبانی که کلیسا را به فساد کشانده بودند و این سعی شان بخاطر رهایی از مسیحیان و اماکن دینی و برخی از آن اسباب مرتبط به تأمین مسیر زائران مسیحی و اماکن زیارت بیت المقدس بود. برخی از اسباب نیز شامل انتقام کشتار مسیحیان از مسلمانان به ویژه ترکان سلجوقی پس از جنگ ملاذ کرد بود (۵۶۳ هـ. / ۱۰۷۱ م)؛ اتفاقی که در تأدیب صلیبیان و دور کردن شان از سرزمین‌های اسلامی برای سال‌های سال مشهور و معروف است. در این معرکه و جنگ هزاران شوالیه و مردان کلیسای شرقی نابود شدند؛ طوری که با وجود وضعیت انشعاب و پراکندگی از کلیسای غربی کمک و امدادخواهی کردند.

۴- اسباب اقتصادی: مربوط به جاه‌طلبی‌های شوالیه‌ها و پادشاهان مبنی بر مسلط شدن بالای اماکن جدید در سرزمین‌های اسلامی بود تا منبع مالی برای حمایت از کشورهای اروپایی باشد. اروپا به دلیل جنگ و نزاع و تسلط روحانیون و کلیسا و هم‌چنین به دلیل بیماری‌های مهلکی که آن را فرا گرفته بود؛ شرایط اقتصادی سختی را تجربه کرد. بنابر این، پاپ‌ها و پادشاهان شوالیه‌ها را تشویق می‌کردند تا برای فتح مناطق جدید و غارت ثروت‌ها آماده شوند.

مسیحیان صلیبی از وضعیت پراکندگی و جنگ‌هایی که در سرزمین‌های اسلامی حاکم بود، مخصوصاً بعد از مرگ شیردل‌اور آلپ ارسلان، حاکم دولت سلجوقی ترکیه و مؤدب مسیحیان در ملاذ کرد استفاده جویی کردند. در این وقت بود که انبوهی از مسیحیان و پادشاهان شان علیه اسلام برای نخستین جنگ صلیبی متحد شدند. این امر همزمان با جنگ‌های تحت نام بازیابی اندلس و مصیبت‌های از قبیل تفکک و تفرق بود که سرزمین‌های اسلامی را فراگیر شده بود.

نخستین حملات و جنگ‌های صلیبی علیه سرزمین‌های اسلامی آغاز شد و مسیحیان بر این امر اتفاق نمودند و با وجود رقابت‌ها و اختلافات مذهبی و سیاسی با هم متحد شدند. امپراتور الکسیوس اول پس از جنگ ملاذ کرد به نداء فریادخوانی کلیسای غربی در روم جواب مثبت داد و پاپ اوربان دوم نیز به این دعوت لبیک گفت و در سال ۱۰۹۵ م. کنفرانس شورای کلیسایی را در شهر کلمون برگزار نمود. وی در آن کنفرانس، خواهان آزادسازی اماکن مقدسه از دست مسلمانان شد و

جنگجویان را به آغاز سفر غفران بزرگ تشویق کرد. پاپ اوربان آرزو داشت که کلیسای شرقی و غربی را تحت پرچم واتیکان در روم متحد سازد و این همان چیزی بود که در حقیقت اتفاق افتاد، زیرا صلیبیان در آن واحد به سمت آسیای صغری حرکت کردند و چندین جنگ بین آن‌ها و سلجوقیان رخ داد که در آن ابتداء صلیبیان شکست خوردند، سپس صفوف خود را مجدداً تنظیم نمودند و از وضعیت تفکک و تفرق سلاجقه استفاده جویی کردند و آنان را در جنگ صورلیم در سال ۱۰۹۷م شکست دادند، سپس جنگ‌های صلیبی از قسطنطنیه بسوی انطاکیا و سواحل شام در سال ۱۰۹۸م تغییر مسیر داد و صلیبیان آن‌ها را اشغال کردند؛ سپس به قدس مبارک حمله کردند و آن را در ژوئیه ۱۰۹۹م تقریباً بعد از ده روز محاصره به رهبری گادفری فرانسوی اشغال نمودند. در زمان محاصره تقریباً بیشتر اطراف و اکناف شهر را در یک بمباران وحشیانه ویران کردند، هیچ چیزی از آن بمباران جان سالم بدر نبرد، حتی اماکن عبادی مسیحیان. و در آن مدت قتل عام هولناکی را راه‌اندازی کردند که زنان، کودکان و سالمندان و همه افراد شهر را هدف قرار دادند و چندین روز هتک حرمت آن را حلال شمردند و فساد بزرگی را بر پا کردند. بنا بر گفته مؤرخان؛ هیچ چیزی از این کشتار وحشتناک جان سالم بدر نبرد، حتی باشندگان مسیحی و یهودی. این امر، مفکوره نجات اماکن مقدس و فراخوانی نجات مسیحیان از شرارت مسلمانان را رد و نفی می‌کند؛ چرا که مسیحیان در بین مسلمانان از همه بیشتر در امنیت و آرامش بسر می‌بردند.

غصب بیت المقدس به ویژه مسجدالاقصی مبارک محرکی بود که مسلمانان را در این سرزمین بسوی وحدت در برابر این صلیبیون سوق داد تا اولین قبله از دو قبله و سومین مسجد از کثافت و پلیدی شان رهایی یابد. جهاد در تمام مدت اشغال آن ادامه داشت و حتی یک لحظه هم آرام نگرفت، تا سر انجام با پیروزی زنگی‌ها و ایوبیان در جنگ حنین در سال ۱۱۸۷م به اوج خود رسید و راه را بسوی آزادسازی قدس و مسجدالاقصی هموار کرد.

در اینجا، باید که به چند موضوع مهم در مورد غصب مسجدالاقصی و اطراف آن از بیت المقدس و نیز در مورد آزادسازی آن بدست رهبران بزرگ چه در دوران جنگ‌های صلیبی و چه بعد از آنان در زمان جنگ‌های مغولی درنگ نمود و آن را به بحث گرفت.

این چیزی‌ست که اگر الله سبحانه و تعالی بخواهد در بخش بعدی به بیان آن خواهیم پرداخت.

نویسنده: حمد طیب

مترجم: محمد مزمل